



اوج گیری موج تازه ای از اعتصابات کارگری در کشور

در شرایط تداوم مبارزات کارگران هفت تپه که پنجاهمین روز اعتصاب خود را پشت سر می گذارند، اعتصاب کارگران هپکو اراک و دیگر کارگران مبارز و دلیر ایران که در اقصی نقاط کشور به طور پراکنده جریان دارد، از روز چهارشنبه ۸ مرداد ماه (۱۳۹۹) شاهد موج جدیدی از اعتصابات کارگری در شرکت های نفت و گاز و پتروشیمی بوده ایم. این موج بزرگ، از اعتصاب کارگران میدان نفتی آزادگان شمالی در هویزه (در استان خوزستان) در اعتراض به حقوق های

پرداخت نشده و عدم رسیدگی به دیگر مطالبات کارگران شروع شد و سپس روز بعد (پنجشنبه ۹ مرداد) با اعتصاب کارگران شرکت نفت هویزه با خواست افزایش دستمزد و تغییر قرارداد های ظالمانه کار ادامه یافت. به دنبال این اعتصابات، روز شنبه ۱۱ مرداد، کارگران پالایشگاه های نفت آبادان، پارسین، پالایشگاه گاز فازهای ۲۲ تا ۲۴ پارس جنوبی در گنگان، نفت سنگین قشم، پتروشیمی لامرد، پتروشیمی پارس فُئَل، کارگران پترو پالایش گنگان دست از کار کشیدند. خواست این کارگران افزایش دستمزدهای شان می باشند. در حال حاضر آن ها حقوق بسیار نازلی دریافت می کنند که حدود پنج بار کمتر از خط فقر می باشد.

در اکثر اعتصابات اخیر، مخالفت با شرکت های پیمانکاری که همچون زالو شیره جان کارگران را می مکند و هیچ نقشی جز نقش انگلی در پروسه تولید ندارند، با صدای بلند فریاد زده می شود. روز دوشنبه ۱۳ مرداد در حالی که اعتصاب این کارگران ادامه داشت، کارگران نیروگاه بیدخون و شرکت جهانپارس ایلام مهران نیز دست به اعتصاب زدند.

اعتصابات اخیر بار دیگر پرده از نقش خون آشام شرکت های پیمانکاری برداشته و نشان می دهند که چگونه این شرکت ها زیر چتر حمایت حکومت، جهت سود آوری بیشتر، همه قوانین و مقررات به اصطلاح تصویب شده را هم زیر پا گذاشته و با کارگران همچون برده رفتار می کنند. مسئولین ظالم و بی وجدان و بی شرف این شرکت ها حتی حاضر نیستند ساعات کار را به خاطر شدت گرمای هوا کمی کاهش دهند. چنین رفتاری هر روز از کارگران به جان آمده قربانیان بیشتری می گیرد. در آخرین نمونه، حدود یک هفته پیش یکی از کارگران پتروشیمی ماهشهر، به نام ابراهیم عربزاده که برای شرکت پیمانکاری "شرکت تهران جنوب" کار می کرد، بر اثر گرمزدگی، جان خود را از دست داد. این رویداد وحشتناک در حالی اتفاق افتاد که عدم پرداخت دستمزد های بخور و نمیر کارگران به یک پدیده رایج و طبیعی برای سرمایه داران و حکومت تبدیل شده و همه به یاد دارند که چگونه در ۲۲ خرداد ماه در میدان نفتی یادآوران هویزه، در غرب خوزستان، کارگری به نام عمران روشنی مقدم، به دنبال این که کارفرما از پرداخت دستمزد معوقه اش خودداری نمود، خود را در محوطه یکی از چاه های نفت به دار کشید.

در شرایطی که فشار ناشی از فقر و گرسنگی و گرانی و تورم، کمر طبقه کارگر ایران را هر روز بیش از پیش خم می کند، کارگران مبارز و دلیر ایران، علیرغم این که رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی در دفاع از منافع سرمایه داران زالو صفت، جز تهدیدهای امنیتی، زندانی کردن کارگران و به طور کلی سرکوب کارگران، آن هم در اشکال وحشیانه ای چون شلاق زدن و گسیل نیروهای مسلح خود برای ضرب و شتم کارگران گرسنه و رنج دیده پاسخی به آن ها ندارد، با این وجود، کارگران با تحمل رنج های جانکاه و مثلاً تحمل گرمای بالای ۵۰ درجه در خوزستان آن هم با شکم های گرسنه دست به اعتصاب می زنند. به منظور درک شدت ظلم و ستمی که کارفرمایان با باز گذاشته شدن دست شان برای استثمار هر چه وحشیانه تر کارگران بر آن ها اعمال می کنند، باید این واقعیت را مد نظر داشت که در چهارچوب مناسبات استثمارگرانه و وحشیانه ای که رژیم ضد خلقی

جمهوری اسلامی به نفع سرمایه داران زالو صفت و دزد علیه کارگران و زحمتکشانشان بوجود آورده، کارفرماهای بی همه چیز به راحتی کارگران را تهدید به اخراج می کنند. یک نمونه اخیر چنین رفتاری مربوط به کارفرمای اکسیر صنعت تمبک فاز ۱۳ می باشد که در برخورد به اعتصاب کارگران جهت تحقق بدیهی ترین خواست های شان، با کارگران معترض تسویه حساب کرده و آن ها را از کار اخراج نموده است.

همه واقعیات فوق بیانگر آن هستند که کارگران در نظام سرمایه داری حاکم بر کشور ما چگونه زیر منگنه فشار جانفرسای سرمایه داران دزد و فاسد و تازیانه های حکومت مدافع آنان قرار گرفته اند و چه شرایط مرگباری بر زندگی آنان و خانواده های محروم و دردمندشان حاکم شده و چگونه کار فرما ها به طور روزمره به خاطر سود بیشتر با جان آن ها بازی می کنند.

نگاهی به مطالبات کارگران در همه واحد های تولیدی که در چند روز اخیر به اعتصاب مبادرت کرده اند نشان می دهد که به طور طبیعی پرداخت دستمزدهای پرداخت نشده، افزایش دستمزد ها و کنار زدن شرکت های پیمانکاری و برقراری استخدام رسمی کارگران به جای آن و همچنین خواست لغو خصوصی سازی مؤسسه تولیدی، رئوس مطالبات کارگران را تشکیل می دهند.

موج جدید اعتصابات کارگری در شرکت های نفتی و پتروشیمی گرچه حول مطالبات اقتصادی شکل گرفته اما از بار سیاسی برخوردار است. کارگران ما به خوبی از پشتیبانی رژیم سیاسی حاکم از کارفرمایان آگاه بوده و برای رسیدن به خواست های خود مسئولین رژیم را خطاب قرار می دهند. به واقع آن ها برای رسیدن به خواست های خود علاوه بر کارفرماهای مشخص خود، با رژیم جمهوری اسلامی مبارزه می کنند. این امر با توجه به اوضاع و احوال بحرانی کشور و در شرایطی که همه کارگران از دستمزدهای ناچیز در عذابند و کارفرمایان حتی از پرداخت به موقع این دستمزدها هم اجتناب می کنند، می تواند به عامل امید بخشی جهت پاگیری اعتصابات بیشتر و ورود نیروی بیشتری از کارگران خشمگین و به جان آمده به صحنه مبارزه علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی منجر شود. اتفاقاً خود طرفداران جمهوری اسلامی با مشاهده واقعیت فوق، به همدیگر هشدار می دهند که "خطر پیش بینی می شود. اگر این کبریت کشیده شود، خاموش کردن آتش آن بسیار مشکل خواهد بود".

اعتصابات دلیرانه اخیر کارگران در گوشه و کنار کشور بار دیگر محرومیت کارگران از داشتن تشکل های مستقل کارگری - تشکل های اقتصادی خود - که دیکتاتوری حاکم امکان شکل گیری آن ها را نمی دهد ، با برجستگی آشکار می سازد. از وجود چنین تشکل هائی ، کارگران می توانستند برای پیشبرد مبارزات شان علیه سود جوئی بیش از حد سرمایه داران استفاده نمایند. واقعیت این است که تا زمانی که کارگران از داشتن تشکل های مستقل اقتصادی خود محروم باشند و تا زمانی که فاقد سازمان سیاسی متعلق به خود باشند - سازمان هایی که ضمن تلاش برای سازماندهی کارگران جهت نابودی سیستم سرمایه داری و رهائی کارگران از قید استثمار، صفوف آنها را متحد تر کرده و از پراکندگی مبارزات آن ها علیه کارفرماها و رژیم مدافع آنان جلوگیری می نمایند - نخواهند توانست به خواست های خود دست یابند. به همین دلیل است که خود زندگی به کارگران ندا می دهد که اگر می خواهید زندگی شایسته ای داشته باشید مجبورید متشکل شده و با قدرت اتحاد خود ، پوزۀ کارفرمایان و رژیم حامی آنان را به خاک بمالید. جمهوری اسلامی ضد خلق و مدافع سرمایه داران و سیستم سرمایه داری وابسته حاکم نیز چنین حقیقتی را به روشنی درک می کند و به همین دلیل است که با سرکوب هر گونه کوششی برای سازمانیابی کارگران از متشکل شدن کارگران جلوگیری کرده و در این راه به هر جنایتی دست می زند. در چنین شرایطی ست که همان گونه که تجربه چهل و یکسال حاکمیت رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی نشان داده، سازمان یابی کارگران در شرایط دیکتاتوری لجام گسیخته حاکم تنها در بستر

اعمال قهر انقلابی طبقه کارگر و حرکت در جهت نابودی این رژیم کارگر ستیز امکان پذیر می باشد. کارگران آگاه و مبارز و روشنفکران انقلابی جامعه باید ضمن پشتیبانی از مبارزات و اعتراضات جاری کارگری ، با تمام قوا به جاری شدن انرژی مبارزاتی تاریخ ساز طبقه کارگر ایران در این مسیر کمک نمایند.

از کارگران اعتصابی و مطالبات آن ها پشتیبانی کنیم!

هر چه پر توان تر باد اعتصابات کارگران قهرمان ایران!

جمهوری اسلامی، نوکر غارتگران، دشمن زحمتکشان نابود باید گردد!

کارگر زندانی آزاد باید گردد!

چریکهای فدایی خلق ایران

سوم آگوست ۲۰۲۰ برابر با ۱۳ مرداد ۱۳۹۹